

# ارزیابی کمی کارآمدی نظام‌های قضایی در آمریکای لاتین

مشخصات منبع این نوشتار به شرح زیر است:

Edgardo Buscaglia and Thomas Ulen,  
“A Quantitative Assessment of the Efficiency of  
the Judicial Sector in Latin America”,  
*International Review of Law and Economics*, Vol.  
17, 1997, pp. 275-291.

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۱۳۷۰۴

خردادماه ۱۳۹۳

معاونت پژوهش‌های اقتصادی

دفتر: مطالعات اقتصادی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲
۱. کارآمدی نظام‌های قضایی در آمریکای لاتین.....	۳
۱-۱. بررسی نگرش‌های افراد و مشاغل نسبت به نظام‌های قضایی در کشورهای آمریکای لاتین.....	۴
۱-۲. روابط میان منابع (مالی) نظام قضایی و کارآمدی نظام قضایی در آمریکای لاتین.....	۹
۲. تحلیل کمی کارآمدی محاکم قضایی در دعاوی تجاری کشورهای آرژانتین و ونزوئلا.....	۱۳
۲-۱. محدوده مطالعه.....	۱۴
۲-۲. کارآمدی در عرضه و تقاضای خدمات محاکم قضایی.....	۱۴
۲-۳. تحلیل کمی عوامل مرتبط با مدت دادرسی.....	۱۹
نتیجه‌گیری.....	۲۵



## ارزیابی کمی کارآمدی نظام‌های قضایی در آمریکای لاتین

ادوارد بوسکاگلیا<sup>۱</sup> و توماس اولین<sup>۲</sup>

### چکیده

در آمریکای لاتین این باور رایج است که در نظام مبتنی بر بازار، نظام قضایی در جایگاهی نیست که قادر باشد به توسعه بخش خصوصی کمک کند. دادگاه‌ها مملو از پرونده‌هایی است که نمی‌توانند آنها را به موقع حل و فصل کنند. در نتیجه، طرفین ناکام اعتمادشان را به توانایی نظام قضایی برای حل و فصل اختلافات از دست می‌دهند. در نتیجه این سلب اعتماد، اشخاص خصوصی هزینه‌های ناشی از اطاله دادرسی را به هزینه‌های مبادلات خصوصی‌شان اضافه می‌کنند. این افزایش هزینه، فعالیت‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد و توسعه اقتصادی را کند می‌کند. از آنجا که در آمریکای لاتین راهکارهای جایگزین مناسبی برای حل و فصل اختلافات وجود ندارد، لازم است یک نظام قضایی کارآمد تعریف شود تا انجام اصلاحات مبتنی بر نظام بازار را، که به‌تازگی بسیاری از دولت‌ها آغاز کرده‌اند، تکمیل کند. از لوازم مهم این اقدام، افزایش ظرفیت دادگاه‌ها برای رسیدگی به پرونده است<sup>۳</sup> که از مهمترین ابعاد توسعه اقتصادی در آمریکای لاتین محسوب می‌شود، اما کمتر بدان اشاره شده است. نخست، نتایج نظرسنجی‌های صورت‌گرفته از کاربران خدمات قضایی در چند کشور آمریکای لاتین را گزارش می‌دهیم تا بتوانیم علل نارضایتی از دادگاه‌ها را مشخص کنیم. دوم، نشان می‌دهیم صرف افزایش منابع مالی در دسترس قوه قضائیه، ضرورتاً به کارآمدی دادگاه‌ها نمی‌انجامد. در آخر، پرونده‌های تجاری در آرژانتین و ونزوئلا را بررسی خواهیم کرد تا نقش عوامل مرتبط با دادگاه و عوامل مرتبط با طرفین دعوا را در هزینه - زمان صرف شده برای رسیدگی به پرونده‌ها<sup>۴</sup> را مشخص کنیم. براساس این مطالعه تجربی، سودمندترین اصلاحات قضایی در آمریکای لاتین را شناسایی خواهیم کرد.

۱. استاد دانشگاه استنفورد و کالج واشنگتن، کالیفرنیا.

۲. استاد حقوق و اقتصاد دانشگاه ایلینویز.

3. Dispositions

4. Cost-adjusted time to Final Disposition of Court Cases

## مقدمه

همزمان با تداوم فرآیند اصلاحات اقتصادی در آمریکای لاتین، ضرورت عملکرد مناسب قوه قضائیه نیز بیشتر احساس می‌شود. تغییر سمت و سوی اغلب معاملات اقتصادی از فضای اداری عمومی به سمت بازار، موجب افزایش بی‌سابقه درخواست‌های بخش خصوصی برای تعاریف توسعه‌یافته از حقوق و تعهدات شده است.<sup>۱</sup> در نتیجه، قوه قضائیه جزئی مهم از توسعه اقتصادی است که کمتر مورد توجه واقع شده است.

اصول حقوقی در اغلب کشورهای آمریکای لاتین، آزادی اعمال حقوق فردی و حقوق مالکیت را ترغیب می‌کنند. اما این مهم بدون نظام قضایی کارآمد که پشتیبان چنین حقوقی باشد، بی‌معناست. اعمال پایدار و مستمر قانون، محیط نهادی باثباتی را فراهم می‌آورد و موجب می‌شود تصمیمات اقتصادی قابل پیش‌بینی شوند. این ثبات در بسیاری از نظام‌های قضایی آمریکای لاتین وجود ندارد: قوانین غیرشفاف و مبهم هستند و شیوه‌های اعمال قانون در دادگاه‌ها به شدت نامعین هستند. این عوامل، به همراه اطاله دادرسی، هزینه‌های دادخواهی را افزایش می‌دهد و به‌طور بالقوه به بروز اقدامات شخصی ناکارآمد می‌انجامد که هدف آنها تنها رهایی از این هزینه‌هاست.

در اغلب کشورهای آمریکای لاتین، قوه قضائیه به حجم رو به افزایش پرونده‌های رسیدگی نشده، اطاله دادرسی و فساد مبتلاست. این موارد موجب بی‌اعتمادی فراگیر بخش خصوصی و عموم مردم به نظام قضایی شده است.<sup>۲</sup> در فقدان یک نظام قضایی بی‌طرف و کارآمد یا سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلافات، بخش خصوصی گرایش پیدا می‌کند تا بر شهرت و اعتبار، روابط خانوادگی و معاملات متعدد با گروه‌های قابل اعتماد تکیه کند. این تمهیدات آنها را از معاملات متعدد به لحاظ اجتماعی، پرسود با طرف‌های ناشناس یا راه‌اندازی کسب‌وکارها باز می‌دارد.

چنانچه قوه قضائیه بخواهد بی‌طرفی و کارآمدی لازم را برای اعتماد مردم به نظام قضایی و توسعه اقتصادی احیا کند، نیاز به برنامه‌ای دقیق برای اصلاح قضایی دارد. این برنامه باید عوامل اصلی‌ای که موجب کاهش کیفیت و کمیت خدمات قضایی می‌شوند را هدف گیرد. این عوامل عبارتند از: اداره دادگاه‌ها، فنون مدیریت، نظام آموزش حقوقی، شیوه‌های صدور مجوز وکالت و انتخاب

1. See Pilar Domingo, "Rule of law and judicial systems in the context of democratization and economic liberalization: A framework for comparison and analysis in Latin America," Division de Estudios Politicos, Centro de Investigacion y Docencia Economicas, No. 25, 1995.

۲. در آخرین گزارش رقابت‌پذیری جهانی، مقایسه‌ای بین‌المللی در مورد اعتماد عمومی به نظام‌های قضایی در ۳۵ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه صورت گرفته است. بجز شیلی رتبه تمامی کشورهای آمریکای لاتین از نظر شاخص اعتماد، زیر ۲۰ درصد است. See World Competitiveness Report (1994): see Buscaglia, E., March 13, 1995; p. A13.



قضات، آشنا کردن مردم با نظام حقوقی، ابزارهای دسترسی به عدالت، دسترسی به سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف، استقلال قضایی و اصلاح رویه‌ها. برای نمونه، مردم در آرژانتین بر این باورند که برای اصلاح قوه قضائیه باید دادرسی شفاهی و سازوکارهای جایگزین حل اختلاف رواج یابد.<sup>۱</sup> در برزیل، قضات بر بهبود فناوری اطلاعات، تجدیدنظر در مراحل دادرسی و تأسیس محاکمی برای رسیدگی به دعاوی کوچک، به‌عنوان مهمترین اجزای برنامه اصلاح قضایی، تأکید داشتند.<sup>۲</sup>

نوشتار حاضر علل ناکارآمدی نظام قضایی در آمریکای لاتین را مشخص کرده و ابزارهایی برای اصلاح آنها پیشنهاد می‌دهد. در بخش نخست، نگرش‌های افراد و مشاغل به دادگاه‌ها را در کشورهای آمریکای لاتین بررسی می‌کنیم. به‌طور کلی، این نتیجه به‌دست می‌آید که عمدتاً به دلیل تأخیرها و پرونده‌های رسیدگی نشده، نارضایتی عمیقی از محاکم وجود دارد. سپس، رابطه میان هزینه زمان رسیدگی به پرونده‌ها در دادگاه‌ها (معیار ارزیابی ما از کارآمدی قضایی) و منابعی که دولت برای دادگاه‌ها فراهم می‌کند بررسی خواهد شد. چنانچه افزایش منابع، هزینه زمان رسیدگی به پرونده‌ها را کاهش و در نتیجه، کارآمدی قضایی را افزایش دهد، آنگاه می‌توان به قطع و یقین پیشنهاد کرد که افزایش بودجه قضایی عامل مهم اصلاحات قضایی در آمریکای لاتین است. با این حال، ما ربط وثیق و روشنی میان سطح منابع در دسترس دادگاه‌ها و کارآمدی قضایی پیدا نکرده‌ایم. در بخش آخر مقاله، نگاه دقیق‌تری به پرونده‌های تجاری در آرژانتین و ونزوئلا خواهیم داشت تا علاوه بر منابع قضایی، سایر عواملی که کارآمدی قضایی را زیر سؤال می‌برند مشخص کنیم، عواملی که فقدان کارآمدی قضایی را توضیح می‌دهند و بنابراین ممکن است با اصلاح در نظام قضایی این امکان را فراهم آورند که نظام قضایی به جای کند کردن توسعه اقتصادی، به آن سرعت بخشد.

## ۱. کارآمدی نظام‌های قضایی در آمریکای لاتین

در این بخش، نخست، گزارشی از بررسی نگرش‌های افراد و کسب‌وکارها نسبت به محاکم قضایی در کشورهای آمریکای لاتین ارائه می‌شود و سپس روابط میان کارآمدی قضایی و میزان منابعی که توسط دولت برای محاکم قضایی فراهم شده مورد توجه قرار می‌گیرد.

1. Estudio de Opinion Acerca de la Justicia en la Argentina Institute GaUp de la Argentina, March 1994, p. 99.

2. See Maria Tereza Sadek and Rogerio Bastos Arantes, "The crisis of the Brazilian judiciary: The judges' perspective," Paper presented at the 16th World Congress of the International Political Science Association, August 21-25, 1994, pp. 9-11.

## ۱-۱. بررسی نگرش‌های افراد و مشاغل نسبت به نظام‌های قضایی در کشورهای آمریکای لاتین

بخش قضایی در آمریکای لاتین قادر نیست بخش خصوصی را در چارچوب نظام بازار توسعه بخشد.<sup>۱</sup> نتایج بررسی کسب‌وکارها در سراسر آمریکای لاتین نشان می‌دهد که از نظر صاحبان کسب‌وکار، نظام قضایی بیشترین موانع را برای توسعه بخش خصوصی ایجاد کرده است.<sup>۲</sup> برای نمونه، بررسی بانک جهانی در می ۱۹۹۳ در کشور اکوادور از صاحبان کسب‌وکار خصوصی نشان می‌دهد که به‌نظر آنها نظام قضایی ششمین مانع بر سر راه توسعه بخش خصوصی محسوب می‌شود.<sup>۳</sup> محور اصلی شکایات در اکوادور و جاهای دیگر آن است که احکام قوه قضائیه در کشورهای آمریکای لاتین قابل پیش‌بینی نبوده و به‌طور متعارف قابل دسترسی نیستند. همچنین، زمان رسیدگی به پرونده‌ها معقول نیست.

فقط صاحبان کسب‌وکار نبودند که عملکرد نظام قضایی آمریکای لاتین را غیرقابل قبول می‌دانستند. عموم نیز به قوه قضائیه بی‌اعتمادند. بررسی‌های انجام شده در آرژانتین، برزیل، اکوادور و پرو نشان می‌دهد که از دیدگاه ۵۵ تا ۷۵ درصد از مردم عملکرد نظام قضایی بسیار دلسردکننده و نامطلوب است.<sup>۴</sup> به‌طور خاص در آرژانتین، ۶۶ درصد از افرادی که در بررسی شرکت کردند نظام قضایی را غیرقابل دسترسی و فاسد می‌دانند. در برزیل، اکوادور و ونزوئلا این آمار به ترتیب عبارت است از: ۵۶، ۴۷ و ۶۷ درصد.<sup>۵</sup> افزون بر این، ۷۶/۹ درصد از قضات برزیلی

1. See World Competitiveness Report, p. 23-27.

۲. نتایج نشان می‌دهند که در نمونه‌گیری‌هایی که در هر کشور از میان ۶۰ تا ۱۰۰ بنگاه انجام شده، نقش قوه قضائیه در ارزیابی اغلب این بنگاه‌ها «ناکارآمد» بوده است. ر.ک.:

Edgardo Buscaglia, Maria Dakolias, and William Ratliff, 'Judicial Reform in Latin America: A framework for Economic Development.' Essays in Public Policy, Stanford University Press, 1995.

۳. بانک جهانی، بررسی در میان ۶۸ بنگاه خصوصی را با این هدف ترتیب داد تا محدودیت‌های موجود بر سر راه توسعه بخش خصوصی اکوادور را مشخص کند. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین محدودیت‌ها عبارت بودند از: بی‌ثباتی سیاسی، تورم و بی‌ثباتی قیمت‌ها، فقدان نیروی کار ماهر، فقدان زیرساخت‌ها، مالیات زیاد، عملکرد ضعیف نظام قضایی، محدودیت‌های [ناشی از] افراط در مقرراتگذاری (تورم مقرراتگذاری؛ م.)، عدم دسترسی به اعتبار و نبود خدمات بازاری. (خدمات بازاری، خدماتی تعریف شده است که به‌منظور به فروش رسیدن در بازار تولید می‌شوند؛ اما فروش خدمات در بازار مربوطه باید در قیمتی صورت گیرد که هزینه‌های تولید را پوشانده و برای تولیدکننده سود ایجاد کند. خدمات بازاری، براساس طبقه‌بندی جداول ISIC مشتمل بر ۵ بخش است:

۱. تجارت خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تعمیرات وسایل نقلیه موتوری، موتورسیکلت و برخی کالاهای شخصی، ۲. هتل‌ها و رستوران‌ها، ۳. حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات، ۴. امور مالی، ۵. فعالیت‌های مرتبط با املاک و مستغلات، اجاره و تجارت. شایان ذکر است International Standard Industrial Classification- ISIC - یکی از نظام‌های ملل متحد برای طبقه‌بندی داده‌های اقتصادی است (م.).

"Ecuador: Private sector assessment," World Bank, 1994.

4. See World Competitiveness Report, p. 21.

5. See Gallup Survey, op.cit.



که در مصاحبه شرکت کردند بر این باور بودند که قوه قضائیه در وضعیت بحرانی قرار دارد.<sup>۱</sup> این احساسات، همان‌گونه که جزئیات آن خواهد آمد، برخاسته از این برداشت است که محاکم قضایی فاسدند و تأخیر و پرونده‌های معوقه بسیاری در محاکم قضایی وجود دارد.<sup>۲</sup>

یکی از اقدامات سودمند برای طرفین بالقوه دعوا آن است که به هر طریقی تلاش کنند تا خدمات محاکم قضایی را مورد استفاده قرار ندهند، برای نمونه، از طریق اجتناب از برقراری روابط بحث‌برانگیز یا دوری از اختلاف.<sup>۳</sup> دیگر اقدام ممکن برای کاستن از مزاد تقاضای موجود برای خدمات دادگاه‌های عمومی آن است که خدمات خصوصی حل اختلافات وارد عرصه شوند. سازوکارهای جایگزین حل اختلاف،<sup>۴</sup> مانند داوری و میانجیگری، می‌توانند با حذف پرونده‌های پیچیده و به‌شدت مورد توجه عموم از برنامه‌های کاری دادگاه‌ها، از حجم کاری نظام قضایی بکاهند.<sup>۵</sup> هرچند عموم مردم ممکن است در بلندمدت از سازوکارهای داوری، میانجیگری و مصالحه توسط بخش خصوصی کارآمدتر منتفع شوند، اما تجربه نشان می‌دهد مردم خیلی سریع به سازوکارهای جدید تأمین عدالت اعتماد نمی‌کنند.<sup>۶</sup> طبق اظهارنظر وکلایی که در حوزه تولید و کشاورزی کار می‌کنند، دلیل این امر آن است که افراد عادی با فنون مذاکره، که برای حل و فصل اختلافات ضروری است، آشنا نیستند.<sup>۷</sup>

همچنین، ممکن است محاکم قضایی عمومی ناکارآمد موجب بروز تأثیرات توزیعی نامطلوب [ثروت] و اثرات ثانویه ناخواسته ناکارآمدی [بر بخش‌های دیگر جامعه] شوند. شرکت‌های کوچک و خانواده‌های با درآمد پایین استطاعت مالی (پرداخت) خدمات پرهزینه بخش خصوصی برای حل اختلافات را ندارند. این بدان معناست که در صورت نیاز، آنها باید برای دسترسی به عدالت، به محاکم عمومی مراجعه کنند که یارانه‌های زیادی دریافت می‌کنند، حال آنکه این مراجع، چنان‌که گفته

1. See World competitiveness Report, p. 15.

2. Buscaglia, op. cit.

3. Buscaglia, Ratliff and Dakolias, p. 12-14, show that as times-to-disposition increase, the filings per court decrease.

4. Alternative dispute-resolution (ADR) mechanisms.

۵. به عنوان مثال، ۶۹/۱ درصد از قضات برزیلی که در مصاحبه شرکت کردند بر این باور بودند که به نظر آنها برای بهبود اجرای عدالت، گسترش استفاده از مصالحه خارج از نظام قضایی مهم است. ر. ک.:

World Competitiveness Report, p. 6.

۶. خدمات سازوکارهای جایگزین حل اختلاف که اخیراً در سراسر آمریکای لاتین رواج پیدا کرده، با تقاضای بسیار اندکی مواجه شده است. بانک توسعه قاره آمریکا (Inter-American Development Bank) دریافت است که در اروگوئه و آرژانتین، طی دو سال نخست شروع فعالیت‌های سازوکارهای جایگزین حل اختلاف در حوزه رسیدگی به امور مدنی، ابتدائاً نوعی عدم پذیرش عمومی از سوی مردم نسبت به این سازوکارها وجود داشته است. ر. ک.:

"Legal reform in Latin America," Inter-American Development Bank, Washington, D.C., pp. 45-56.

۷. این تقسیم‌بندی در بازار سازوکارهای جایگزین اختلاف در محیط یک کشور در حال توسعه برای اولین بار در بررسی ادگاردو بوسکaglia (Edgardo Buscaglia) پیشنهاد شد.

"Stark picture of justice," The Financial Times, March 21, 1995, p. 12; and Buscaglia and Dakolias, supra note 7. World Competitiveness report, p. 56; and Buscaglia, op. cit.

شد، تأخیر زیادی در روند رسیدگی به پرونده‌ها دارند. از آنجا که کسب‌وکارهای کوچک و نوپا با محدودیت اعتبار مواجه‌اند، آنها بیشتر بار هزینه‌های تأخیر محاکم قضایی را بر دوش می‌کشند.<sup>۱</sup> اگر این محاکم فاسد نیز باشند، چنانکه در آمریکای لاتین شایع است، کسب‌وکارهای کوچک و طرفین دعوی که درآمد کمی دارند، به اهداف اصلی محاکم فاسد تبدیل می‌شوند.<sup>۲</sup> در مقابل، کسب‌وکارهای بزرگ‌تر و کسب‌وکارهای به‌خوبی تثبیت شده، برای بقا معمولاً تا این اندازه به محاکم قضایی عمومی متکی نیستند، چرا که آنها از توان مالی لازم برای استفاده از سازوکارهای خصوصی جایگزین حل اختلاف برخوردار هستند. همچنین، اعمال نفوذ حرفه‌ای را در اختیار دارند. این اعمال نفوذها از ارتباطاتشان با نخبگان دولتی محلی برای تسریع در حل و فصل مشکلات مشتریان بزرگ‌تر خود در محاکم عمومی استفاده می‌کنند.<sup>۳</sup>

جدول ۱. توصیف آماری وضعیت محاکم قضایی (درصد)

کشور	رشد تعداد پرونده‌ها در طول دوره		رشد تعداد پرونده‌های معوقه		رشد تعداد پرونده‌های مختومه	
	۱۹۸۲-۱۹۷۳	۱۹۹۳-۱۹۸۳	۱۹۸۲-۱۹۷۳	۱۹۹۳-۱۹۸۳	۱۹۸۲-۱۹۷۳	۱۹۹۳-۱۹۸۳
آرژانتین	۳/۴ (۹/۱)	۱۷/۸ (۱۱/۵)	۹/۲	۱۰/۹	۰/۵	-۳/۲
برزیل	۲/۳ (۶/۱)	۱۹/۱ (۱۲/۶)	۲/۲	۹/۷	۰/۷	-۲/۹
اکوادور	۴/۱ (۴/۱)	۱۹/۳ (۷/۸)	۱/۵	۶/۲	-۰/۱	-۰/۳
شیلی	۸/۴ (۳/۷)	۵/۱ (۲/۷)	۲/۱	-۱/۴	-۱/۱	۰/۷
کلمبیا	۳/۴ (۹/۱)	۷/۸ (۱۰/۸)	۹/۱	۱۸/۱	۰/۲	-۳/۱
مکزیک	N/A*	N/A	۷/۲	۹/۱	۰/۳	-۲/۲
ونزوئلا	۳/۱ (۲/۸)	۲۸/۳ (۳۱/۱)	۴/۸	۹/۳	۰/۱	-۳/۱

\* N/A به مفهوم آن است که آمار این قسمت، قابل دسترس نبوده است.

توضیح: انحراف معیار در پرانتزها ذکر شده است.

1. See World Competitiveness report, p. 56; and Buscaglia, op. cit.

۲. در اصطلاح فنی‌تر، در محیط یک کشور در حال توسعه و فاقد یک نظام توسعه‌یافته جایگزین حل اختلاف، شرکت‌های کوچک و بخش‌های کم‌درآمد جامعه کثرت تقاضای کمتری برای عدالت دارد.

۳. بررسی‌های انجام شده در سراسر منطقه نشان می‌دهند که ۹۴ درصد از کسب‌وکارهای کوچک، سازوکارهای جایگزین حل اختلاف را گران و نامطمئن می‌دانند در حالی که ۹۸ درصد از کاربران محاکم قضایی، به هیچ میانجی‌ای بجز آن خدماتی که توسط محاکم قضایی ارائه می‌شود، اعتماد ندارند. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که مسئله اعتماد عمومی هنوز هم مانع توسعه سازوکارهای جایگزین حل اختلاف محسوب می‌شود. ر. ک.:

Buscaglia, op. cit.



این برداشت که بررسی یک پرونده متعارف در محاکم قضایی بیش از حد، زمان‌بر است، برداشتی شایع در آمریکای لاتین است.<sup>۱</sup> برداشت پیشگفته در میان قضات، وکلا، طرفین دعوا و سازمان‌های فعال در جامعه مدنی مشترک است. زمان لازم برای رسیدگی به پرونده در نظام‌های قضایی آمریکای لاتین در حد بی‌سابقه‌ای رو به افزایش است.<sup>۲</sup> برای نمونه، در سال ۱۹۹۳، متوسط دوره زمانی مورد نیاز برای رسیدگی به امور مدنی در آرژانتین، اکوادور و ونزوئلا به ترتیب ۲/۵، ۱/۹ و ۲/۴ سال بوده است.<sup>۳</sup> از سال ۱۹۸۱ به بعد، زمان لازم برای رسیدگی به پرونده‌ها به‌طور متوسط ۸۵، ۷۳ و ۹۳ درصد افزایش یافته است.

افزون بر این، در این کشورها، واریانس [پراکندگی داده‌ها و مشاهدات] زمان رسیدگی به پرونده‌ها نیز افزایش یافته است. انحراف معیار برای آرژانتین، اکوادور و ونزوئلا به ترتیب ۱/۱، ۰/۹ و ۱/۹ سال است.<sup>۴</sup> این ارقام نشان‌دهنده ضعف شدید هماهنگی در کیفیت خدمات ارائه شده توسط محاکم قضایی است.<sup>۵</sup>

همان‌طور که در جدول ۱ قید شده است، در کشورهای بررسی شده، حجم کارهای معوقه و زمان رسیدگی به پرونده‌ها به‌نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. در جدول زیر، با ارزیابی مشترک از دادرسی پرونده‌های تجاری و مدنی در کشورهای انتخاب شده آمریکای لاتین، درصد تغییرات در میزان تأخیرها و حجم کارهای معوقه در این کشورها با هم مقایسه شده است. روشن است که میانگین تغییرات سالیانه در طول دوره زمانی دادرسی (و انحراف معیار آنها که در پرانتز قید شده) به‌طور مشخص، وخیم‌تر شدن وضعیت این متغیر در سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ را در مقایسه با دوره ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲، تأیید می‌کند.

این تغییرات، در متوسط میزان اتمام پرونده‌ها در حوزه‌های قضایی کشورهای مورد بررسی،

1. Ibid.

2. Ibid.

۳. در اینجا برای طول مدت دادرسی، از چارچوب تحلیلی کاپلیتی کلارک (Cappelletti-Clark) که معروف به رویکرد «دوره مورد انتظار برای تشکیل پرونده (EDMCF)» است استفاده می‌شود. براساس این رویکرد، شاخص دوره مورد انتظار برای تشکیل پرونده توسط محاکم قضایی مشترکاً از طریق تعداد سالیانه پرونده‌های تشکیل شده، در انتظار و رسیدگی شده (یا پرونده‌هایی که از جریان رسیدگی خارج شده‌اند) تعیین می‌شود. شاخص سالیانه کاپلیتی‌ای که در این نوشتار مورد استفاده قرار گرفته از تقسیم تعداد پرونده‌های در انتظار رسیدگی برای هر دادگاه در پایان هر سال بر تعداد پرونده‌های رسیدگی شده در طول همان سال محاسبه شده است. ر. ک.:

John Merryman, "Measuring time delay," Stanford University (1977), unpublished manuscript.

4. Ibid, p. 47-48.

۵. با این حال پیش از گرفتن نتیجه‌ای کلی در این مورد، تحلیل زمان لازم برای رسیدگی به پرونده‌ها باید در هر نظام قضایی ملی به‌صورت جداگانه صورت گیرد به این دلیل که برخی مواقع، تفاوت‌های عمیقی میان نظام‌های حقوقی حتی در میان کشورهای آمریکای لاتین وجود دارد. استنباطی دیگر از این مشاهده آن است که ارزیابی بین‌المللی در قالب مقایسه قطعی وضعیت شاخص زمان لازم برای رسیدگی به پرونده‌ها در میان کشورها بی‌معنا خواهد بود؛ چرا که میان نظام‌های حقوقی کشورها تفاوت‌های عمیقی وجود دارد.

افزایش بی‌سابقه‌ای داشته است.<sup>۱</sup> اعدادی که در جدول ۱ نشان داده شد، دلیل نارضایتی عمومی از نظام‌های قضایی کل منطقه را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

جدول ۲. میانگین تغییرات در عرضه و تقاضای خدمات محاکم قضایی: ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳

نام کشور	درصد تغییرات در پرونده‌های ثبت شده (t-1)	درصد تغییرات در پرونده‌های رسیدگی شده t
آرژانتین	۷	۴/۱
برزیل	۲/۱	۷/۹
شیلی	۶/۸	۹/۱
کلمبیا	۴/۹	۴/۱
اکوادور	۱۲/۳	۱/۲
ونزوئلا	۱۹/۵	۳/۳

به‌رغم تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها در کشورهای مورد بررسی این نوشتار، بهره‌وری<sup>۳</sup> محاکم قضایی مدنی و تجاری در سال‌های اخیر افزایش یافته است (منظور از «بهره‌وری»، میزان مختومه کردن (رسیدگی) به پرونده‌هاست). ما برای ارزیابی متغیر میزان بهره‌وری محاکم قضایی، متوسط درصد تغییرات در پرونده‌های رسیدگی شده طی دوره t را با متوسط تغییرات در پرونده‌های ثبت شده در دوره (t-1) مقایسه می‌کنیم، یعنی یک سال زمان مورد نیاز برای آن که محاکم قضایی، امکانات خود را متناسب با تقاضاهای جدید برای خدماتشان تعدیل (سازگار) کند.<sup>۴</sup> اعداد جدول ۲ نشان می‌دهند که در همه کشورها، بجز شیلی، متوسط افزایش درصد بهره‌وری محاکم طی دوره t به آن اندازه نبوده است که متوسط درصد افزایش تقاضا برای ثبت دادخواست را در دوره (t-1) برآورده کند. جداول ۱ و ۲ توضیح می‌دهند که چرا بررسی اخیر نظام‌های قضایی در منطقه آمریکای لاتین نشان می‌دهد که غالب کاربران خدمات قضایی «تمایل ندارند» اختلافاتشان را نزد محاکم مطرح کنند. دلیل این امر آن است که آنها نظام قضایی را کُند، نامطمئن، گران و به

۱. تعریف «میزان اتمام پرونده‌ها» عبارت است از: درصد پرونده‌های رسیدگی شده به پرونده‌های دریافتی یک دادگاه در یک دوره زمانی مشخص. کاهش میزان اتمام پرونده‌ها، بدتر شدن کیفیت خدمات محاکم قضایی را نشان می‌دهد. افزایش میزان اتمام پرونده‌ها، مؤید بهبود در کیفیت خدمات محاکم قضایی است. این ارزیابی‌ها البته با فرض «ثابت بودن سایر شرایط» است.

۲. اعداد ارائه شده در جدول ۲، برگرفته از اطلاعات خامی است که از گزارش‌های سالیانه دیوان عالی و اداره آمار محاکم قضایی هر کدام از کشورهای مورد تحلیل این نوشتار اخذ شده است. جدول ۱، مجموعه‌هایی را شرح و تفصیل داده که در منبع زیر مطرح شده است:

Buscaglia and Dakolias, p. 14.  
3. productivity

۴. این همبستگی با وقفه یک‌ساله، اولین بار در منبع زیر مطرح شد:

Buscaglia and Dakolias, p. 15.



تعبیری، یک نظام با «کیفیت پایین» ارزیابی می‌کنند.<sup>۱</sup> نزدیک به ۵۵ درصد از صاحبان کسب‌وکارهای مورد بررسی که از خدمات قضایی آمریکای لاتین استفاده کرده‌اند، ترجیح می‌دهند با مذاکره به توافقی نسبی برسند تا آنکه بخواهند نزد محاکم رسمی طرح دعوا کنند.<sup>۲</sup>

عوامل دیگری نیز وجود دارند که برای بررسی نارضایتی شایع از محاکم قضایی می‌توان بر آنها متمرکز شد. در کشورهایی که برنامه تخصصی یا برنامه‌های آموزشی مستمر برای کارکنان محاکم قضایی در موضوعات تجاری، مالیات یا دیگر موضوعات مرتبط با کسب‌وکارها وجود ندارد، قضات و کارمندان با ضعف شدید در آموزش مواجه‌اند. در نتیجه، قضات در اختلافات تجاری و دیگر اختلافات فنی باید متکی به کارشناسان غیرحقوقی باشند. از آنجا که نظام‌های حقوقی آمریکای لاتین رابطه یکجانبه<sup>۳</sup> را مجاز می‌دانند، طرفین دعوا می‌توانند به قضات نزدیک شوند و قضات نیز می‌توانند درخواست ملاقات با طرفین دعوا یا وکلایشان را به‌طور جداگانه داشته باشند. مراجعین به محاکم اغلب این ادعا را طرح می‌کنند که تصمیم‌گیری در مورد پرونده‌ها نه مقابل چشم مردم، بلکه در این جلسات خصوصی صورت می‌گیرد.<sup>۴</sup> با این حال، در دفاع از روابط یکجانبه می‌توان گفت که افراد و صاحبان کسب‌وکار بر این باورند که این موضوع می‌تواند انگیزه‌ای برای کارکنان محاکم، از جمله قضات، باشد تا از این تمهیدات غیررسمی برای رسیدگی به پرونده‌ها بهره‌گیرند، چرا که در غیر این صورت، چه‌بسا پرونده‌ها سال‌ها در دستگاه قضایی معطل بمانند.

## ۲-۱. روابط میان منابع (مالی) نظام قضایی و کارآمدی نظام قضایی در آمریکای لاتین

تقویت ظرفیت محاکم قضایی برای برآورده کردن تقاضاها در مورد رسیدگی به پرونده‌ها یکی از چالش‌برانگیزترین و مهمترین جنبه‌های اصلاحات قضایی است. همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شد، تقریباً هیچ‌یک از محاکم آمریکای لاتین نمی‌توانند خدمات کافی برای برآورده ساختن تقاضاهای موجود ارائه کنند. افزایش پرونده‌های معوقه و بیشتر شدن تأخیرهایی که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، حکایت از ناتوانی در پاسخگویی به تقاضاها دارد. اغلب ناظران این تأخیرها را به نبود منابع یا نقص رویه‌ها نسبت می‌دهند.<sup>۵</sup> برای نمونه، بسیار شنیده می‌شود که تعداد زیادی از کشورهای آمریکای لاتین بودجه کافی به محاکم اختصاص نمی‌دهند. این موضوع باعث می‌شود

۱. به‌طور کلی لازم است بررسی‌ها و نظرسنجی‌ها اعتماد کلی مردم به نظام قضایی را به عنوان شاخصی برای سنجش نگرش کاربران محاکم قضایی در مورد کیفیت خدمات در نظر گیرند. ر. ک.:

Buscaglia, Dakolias, and Ratliff, op. cit.

2. See World Competitiveness Report, p. 32.

3. *ex parte* communication

4. See Gallup Survey, p. 14-16.

5. See Carlos Gregorio, "Investigacion sobre la Den, ora en el proceso judicial: Informe final," La Ley (1993).

قوه قضائیه نتواند حتی نیازهای حداقلی برای تضمین دسترسی مردم به عدالت را تأمین کند.<sup>۱</sup> علاوه بر این، ناظران بر این باورند که بودجه ناکافی (به جای برقراری استقلال مالی و سایر مواردی که اصل سوم قانون اساسی ایالات متحده حکم الزامی دانسته) باعث تداوم وابستگی قوه قضائیه به بخش خصوصی، پرداخت‌های غیرقانونی و جریان‌های سیاسی می‌شود. همچنین، منتقدان بر این نکته تأکید می‌کنند که کمبود منابع [مالی]<sup>۲</sup> محاکم، دلیل فساد پرسنل و مانعی برای جذب قضات با کیفیت و کارکنان بخش پشتیبانی قوه قضائیه است.<sup>۳</sup> بسیاری از قضات و محققان حقوق راه برون‌رفت را آن می‌دانند که قوه قضائیه بودجه‌ای مستقل و قابل توجه داشته باشد، به گونه‌ای که خود بر آن نظارت کند و بودجه‌اش را به قوه مقننه پیشنهاد دهد.<sup>۴</sup>

برخی شواهد علی‌پیرامون این موضوع، نشئت گرفته از پرداخت به‌ازای جبران خدمات پرسنل محاکم است. به‌طور متوسط، درآمد پرسنل بخش قضایی در سراسر آمریکای لاتین، در مقایسه با کسانی که دارای مشاغل غیرانتفاعی در بخش خصوصی هستند، پایین است. برای نمونه، طی دهه قبل، درآمدهای واقعی قضات در اکوادور و ونزوئلا سه برابر افزایش یافته بود، در حالی که درآمدهای واقعی کارکنان بخش پشتیبانی تنها ۵۴ درصد افزایش یافت. این مورد در آرژانتین نیز صادق است. در این کشور، سطح درآمدهای واقعی در نظام فدرال چندان برای نیروی کار جذاب نیست.<sup>۵</sup>

برخی کشورهای آمریکای لاتین پیشنهاد کرده‌اند برای مقابله با مشکل درآمدهای پایین و به‌عنوان راهکاری برای کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها و حجم کارهای معوقه، سهم مشخصی از بودجه دولت به قوه قضائیه اختصاص یابد.<sup>۶</sup> با وجود این، در مورد سهم مشخصی که برای این کار توصیه می‌شود، تفاوت‌های مهمی میان کشورها وجود دارد. تفاوت در الزامات رویه‌ای، حقوق ماهوی<sup>۷</sup> و تاریخ فرهنگی و حقوقی موجب می‌شود منابع مورد نیاز محاکم جهت ارائه نوع و کمیت خاصی از خدمات در حوزه دعاوی تجاری (برای نمونه، ۱۰۰۰ مورد حکم ورشکستگی)، بین کشورها تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای داشته باشند. این خود بدان معناست که ۳ درصد از بودجه دولتی که به قوه قضائیه یک کشور اختصاص یافته، در مقایسه با همین بودجه که به محاکم قضایی

1. The CIA World Factbook, Central Intelligence Agency, Washington, D.C. 1994.

۲. با توجه به اینکه در اصل متن مقاله، نویسنده عبارت «کمبود منابع محاکم» را به کار برده است که مقصود از آن (با توجه به سایر بخش‌های متن)، کمبود منابع «مالی» است، صرفاً به منظور شفاف‌ترسازی مقصود نویسنده و ممانعت از برداشت‌های متفرقه درخصوص نوع منابع، واژه مالی را در داخل کروشه قید کرده است (م).

3. See World Competitiveness Report, p. 34 and 44-46.

4. See World Competitiveness Report, p. 11.

5. *Ibid.* p.15.

6. "Informe del Poder Judicial," Poder Judicial de la Nacion Argentina, Buenos Aires, 1994, p. 34; "Informe de la

Corte Suprema," Poder Judicial del Ecuador, Quito, 1994.

7. substantive law



کشوری دیگر اختصاص یافته، ممکن است آثار بسیار متفاوتی بر زمان رسیدگی به پرونده‌ها (یا دیگر مقیاس‌های کارآمدی قضایی) داشته باشد. بنابراین، بعید است که تخصیص بودجه ثابت و بیشتر، ضرورتاً به بهبود عملکرد نظام قضایی می‌انجامد، محل تردید است.

افزون بر این، هیچ همبستگی روشنی میان منابع قضایی و کارآمدی قضایی وجود ندارد. کشورهای که مبتلا به تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها و فساد نیستند و مردم رضایت و اعتماد زیادی به قوه قضائیه دارند (نظیر دانمارک، ژاپن، آلمان، هلند و نروژ) به نسبت کشورهای آمریکای لاتین، مانند آرژانتین، برزیل و مکزیک که مردم کمتر از ۲۰ درصد به نظام قضایی اعتماد دارند، مایلند سهم کمتری از بودجه دولتی به قوه قضائیه اختصاص یابد.<sup>۱</sup> به‌طور مشخص‌تر، نسبت هزینه‌های دولتی صرف شده برای قوه قضائیه به‌عنوان درصدی از کل هزینه‌های دولت در کشورهای که دارای نظام قضایی توسعه‌یافته هستند عبارت است از: نروژ، ۰/۸ درصد، هلند، ۰/۴ درصد، ژاپن، ۰/۵ درصد، دانمارک، ۱/۲ درصد و آلمان، ۰/۹ درصد. در مقابل، نسبت هزینه‌های قضایی به‌عنوان درصدی از کل هزینه‌های دولت در کشورهای با حجم زیاد پرونده‌های معوقه و بیشترین تأخیرها در رسیدگی به پرونده‌ها بدین‌صورت است: ونزوئلا، ۱/۳ درصد، پرو، ۱/۵ درصد، اکوادور، ۱/۴ درصد، آرژانتین، ۲/۲ درصد و پاراگوئه، ۵/۱ درصد.<sup>۲</sup>

بر طبق این شکل‌ها و زمان رسیدگی به پرونده‌ها در جدول ۱، به نظر می‌رسد میان کارآمدی قضایی (که برحسب میزان اتمام پرونده‌ها و زمان رسیدگی به پرونده‌ها اندازه‌گیری می‌شود) و درصدی از بودجه دولت که به محاکم قضایی تخصیص می‌یابد، ارتباط مستقیم و معناداری وجود ندارد.<sup>۳</sup> نمودار زیر به وضوح نشان می‌دهد ارتباطی میان این دو متغیر در کشورهای آمریکای لاتین وجود ندارد. روی محور عمودی، میانگین درصد تغییرات در میانگین طول دوره رسیدگی به پرونده‌ها برحسب هر کشور اندازه‌گیری شده است. ما این اشکال را با احتساب وقفه‌ای دوساله پس از آنکه میانگین درصد تغییرات در بودجه واقعی تخصیص یافته به قوه قضائیه آن کشور افزایش یافت، مورد اندازه‌گیری قرار دادیم. در محور افقی، میانگین درصد تغییرات در بودجه واقعی تخصیص یافته به قوه قضائیه هر کشور اندازه‌گیری شده است (این اندازه‌گیری‌ها تنها مختص پرونده‌های مربوط به حوزه‌های تجاری و مدنی است). این شکل نشان می‌دهد کشورهایی که بیشترین تغییرات در هزینه‌های صرف شده را داشته‌اند، معمولاً آن کشورهایی نیستند که کمترین زمان را برای رسیدگی به دعاوی تجاری و مدنی تجربه می‌کنند. برای نمونه، برزیل و شیلی دو

1. See World Competitiveness Report, p. 12.

2. See Domingo, pp. 23-24.

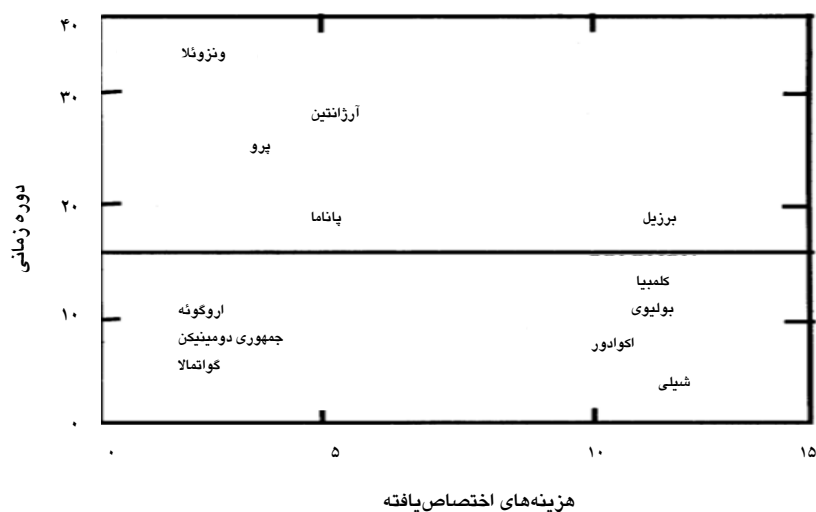
۳. نوشتار حاضر، یافته‌های اولیه بوسکاگلیا و داکولپاس (۱۹۹۵) را با اضافه کردن چند کشور دیگر بسط می‌دهد. ر. ک.:

*Ibid.* p. 20.

مثال روشن از فقدان ارتباط میان این دو متغیر هستند.

دلیل آنکه میان این دو متغیر ارتباط مستقیم و روشن وجود ندارد آن است که افزایش منابع قضایی ممکن است در نهایت منجر به افزایش حجم پرونده‌ها در قوه قضائیه شود. منابع اضافی (به‌عنوان مثال برای تأمین هزینه‌های پرسنل و سرمایه‌ای) ممکن است در ابتدا بازدهی محاکم قضایی را افزایش دهند و در نتیجه، منجر به کاستن از حجم پرونده‌های معوقه و کاهش تأخیرها شوند. اما، پس از یک وقفه زمانی (که این وقفه در اندازه‌گیری ما، دو سال است)، قوه قضائیه کارآمدتر می‌تواند در هر دادگاه، تقاضاهای ثبت دادخواست بیشتری را از طرف شهروندان و صاحبان کسب‌وکار جذب کند. این تقاضاها در حالی از طرف شهروندان و صاحبان کسب‌وکار مطرح می‌شوند که پیش‌تر به دلیل تأخیر و حجم پرونده‌های معوقه، تمایلی به استفاده از محاکم قضایی نداشتند.<sup>۱</sup> تعیین کارآمدی پیامدهای حاصل از افزودن یا کاستن از منابع نظام قضایی دشوار است. در برخی کشورها ممکن است افزایش اولیه در بهره‌وری، بر افزایش متعاقب در تعداد پرونده‌های ثبت شده پیشی بگیرد. در برخی دیگر از کشورها ممکن است افزایش پرونده‌های ثبت شده بیش از افزایش اولیه در بهره‌وری باشد. با توجه به رابطه نامشخص میان منابع و کارآمدی قضایی، عاقلانه‌تر است که سازوکاری بودجه‌ای حاکم شود که از طریق آن، دادگاه‌ها بتوانند بر مبنای افزایش تعداد پرونده‌های ثبت شده در هر موضوع خاص و هر حوزه قضایی و براساس شاخص‌های عملکردی، درخواست بودجه کنند.

شکل زمان دادرسی در مقابل هزینه‌های اختصاص یافته



۱. نتایج عددی ما نشان می‌دهند که دو سال پس از افزایش معنادار در هزینه‌های واقعی، ثبت دادخواست به ازای هر دادگاه افزایش و پس از آن، یک بار دیگر کاهش می‌یابد.



با توجه به نبود رابطه مستقیم و قوی میان زمان رسیدگی به پرونده‌ها و افزایش منابع قضایی، باید به دیگر عواملی که آنها نیز بر زمان رسیدگی به پرونده‌ها تأثیر می‌گذارند، مانند فقدان شیوه مدیریتی فعال در مدیریت پرونده‌ها یا حتی تشریفات اداری زائد برای ثبت دادخواست توسط قضات، توجه کنیم. برای نمونه، پیچ<sup>۱</sup> دریافته است که تقریباً ۷۰ درصد زمان قضات آرژانتینی صرف اموری غیر از قضاوت و داوری می‌شود.<sup>۲</sup> وظایف اداری مشابه، ۶۵ و ۶۹ درصد از وقت کاری قضات را به ترتیب در برزیل و پرو اشغال کرده است.<sup>۳</sup> اقتضات اداری بیش از حد تنها گریبانگیر قضات نیست. براساس بررسی‌های انجام شده درخصوص محاکم اکوادور، ونزوئلا و آرژانتین، ۲۰ تا ۴۰ درصد کارمندان محاکم، که در مصاحبه شرکت کردند، دارای وظایف اداری مثل امضای چک‌های بانکی یا درخواست تجهیزات اداری بودند.<sup>۴</sup>

## ۲. تحلیل کمی کارآمدی محاکم قضایی در دعاوی تجاری کشورهای آرژانتین و ونزوئلا

اگر صرف تخصیص منابع بیشتر به محاکم قضایی کشورهای آمریکای لاتین موجب افزایش کارآمدی آنها نمی‌شود، پس چه باید کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، ضروری است تصویر روشنی از عوامل مؤثر بر کارآمدی قضایی در کشورهای آمریکای لاتین ارائه شود. بنابراین به‌منظور مشخص کردن سایر عوامل اثرگذار، بخش حاضر بر دعاوی تجاری در دو کشور آرژانتین و ونزوئلا متمرکز است. نخست، طیف گسترده‌ای از عواملی که به عقیده ما احتمالاً بر زمان رسیدگی به پرونده‌ها (معیار ما برای کارآمدی قضایی) تأثیرگذارند، ذکر خواهند شد. سپس، به بحث پیرامون رابطه احتمالی میان این عوامل و کارآمدی قضایی پرداخته خواهد شد. گام بعد، ارتباط دادن این عوامل با مدت زمانی است که برای تکمیل مراحل دادخواهی ۱۹۰ پرونده تجاری در آرژانتین و ونزوئلا مورد نیاز است. با استفاده از تحلیل غیرپارامتری،<sup>۵</sup> عواملی که در تعیین کارآمدی قضایی از بیشترین سطح معناداری برخوردار هستند را مشخص می‌کنیم. تجزیه و تحلیل فوق این امکان را برای مدافعان اصلاحات قضایی فراهم می‌کند تا مراحل خاص دادخواهی را، که باید بیشتر به آنها توجه شود، به دقت مشخص کنند.

1. Page

2. See Robert Page, Argentina Report, DEA Consulting Group, 1994, unpublished manuscript.

3. *Ibid.*

4. *Ibid.*

۵. "nonparametric analysis"; تحلیل غیرپارامتری، آزمونی است که در آن داده‌ها توزیع غیرنرمال داشته و در مقایسه با آزمون پارامتری از توان تشخیصی کمتری برخوردارند؛ (م).

## ۲-۱. محدوده مطالعه

ما مراحل اصلی دادخواهی در دعاوی تجاری انتخاب شده در دو کشور آرژانتین و ونزوئلا را تحلیل کرده‌ایم. در هر یک از این دو کشور، یک نمونه طبقه‌بندی شده از شایع‌ترین پرونده‌های تجاری - ورشکستگی‌ها، وصول طلب و نقض قراردادها - را مشخص کرده و سپس، زمان صرف شده در هر مرحله را برای هر یک از این پرونده‌ها محاسبه کرده‌ایم. این مراحل عبارتند از: آماده‌سازی برای طرح دعاوی در دادگاه، بحث‌های طرفین دعوا پیش از آغاز دادگاه، طرح دعوا در دادگاه، کشف حقیقت در دادگاه و صدور حکم. گام بعد، جمع‌آوری اطلاعات درخصوص متغیرهای مرتبط با دادگاه و متغیرهای مرتبط با مراجعین به دادگاه است که ممکن است بر مدت زمان دادرسی تأثیرگذار باشند. در مجموع، با ۱۸ قاضی و ۱۸۰ نفر از مراجعین به محاکم مصاحبه صورت گرفت.

## ۲-۲. کارآمدی در عرضه و تقاضای خدمات محاکم قضایی

برای تعیین عوامل مرتبط با زمان رسیدگی به پرونده‌ها (معیار اصلی ما از کارآمدی قضایی)، ابتدا فهرستی از عوامل اثرگذار بر عرضه و تقاضای خدمات قضایی ارائه می‌شود.<sup>۱</sup> برای هر یک از این عوامل نشان می‌دهیم که تأثیر مورد انتظار آن عامل بر زمان رسیدگی به دعاوی تجاری، مشابه پرونده‌هایی که به آنها اشاره شد، چیست.

متغیرهای مرتبط با بخش عرضه عبارتند از:

۱. رشد واقعی هزینه‌های دولتی اختصاص یافته به قوه قضائیه،
۲. افزایش تعداد محاکم قضایی، قضات و پرسنل بخش پشتیبانی و ساعت کاری آنها،
۳. سطح هماهنگی در مدیریت پرونده،
۴. فناوری‌های به کار رفته برای پیگیری پرونده‌ها و تحقیق،
۵. زمانی که قضات به جلسات اجباری برای حل و فصل اختلاف اختصاص می‌دهند و زمانی که قضات به اقدامات اداری، غیر از مدیریت جریان پرونده‌ها، اختصاص می‌دهند.

---

۱. کارآمدی قضایی را با هر تعداد آماری اندازه‌گیری کرده‌ایم. نمونه‌هایی از معیارهای مربوط به کارآمدی قضایی عبارتند از: میزان اتمام پرونده‌ها، تعداد پرونده‌هایی که در مورد آنها حکم صادر شده به ازای هر قاضی، زمان صرف شده برای رسیدگی به پرونده‌ها، تعداد ساعات‌های جلساتی که قضات تشکیل می‌دهند در تناسب با احکام آنها و هزینه انجام شده به ازای رسیدگی به هر پرونده. هرکدام از این معیارها دارای ضعف‌ها و قوت‌هایی هستند. به عنوان مثال، برای تحقق معیار کارآمدی «پایدار» در ارائه خدمات توسط محاکم قضایی، میزان بالای اتمام پرونده‌ها باید با این برداشت عمومی همراه باشد که مردم دسترسی معقولی به محاکم قضایی دارند. ممکن است نظام محاکم قضایی‌ای وجود داشته باشد که در آن، به رغم آنکه میزان اتمام پرونده‌ها بسیار بالاست، اما این نظام، از اعتماد عمومی بی‌بهره است و از این رو، خدمات با کیفیت پایینی ارائه می‌دهد. پس از تأمل در مورد نقاط قوت و ضعف هر کدام از این معیارها و برخی معیارهای ترکیبی، انتخاب ما تمرکز بر «زمان صرف شده برای رسیدگی به پرونده‌ها» به عنوان معیار اصلی کارآمدی قضایی بود.



## ۶. پیچیدگی نوع پرونده.

انتظار ما از اثرات هر یک از این عوامل بر زمان رسیدگی به پرونده‌ها چیست؟ به فرض ثابت بودن سایر شرایط، ما باید انتظار افزایش واقعی (نه اسمی) هزینه‌های سرمایه‌ای دولت را برای محاکم با هدف بهبود کارآمدی قضایی (به عبارت دیگر، کمتر شدن زمان رسیدگی به پرونده‌ها) داشته باشیم. از این رو، باید ارتباط منفی میان افزایش منابع واقعی در دسترس محاکم و زمان رسیدگی به پرونده‌ها (به عبارت دیگر، رابطه مثبت میان منابع واقعی و کارآمدی قضایی) وجود داشته باشد. با توجه به دیگر عوامل مربوط به عرضه، انتظار ما این است که افزایش تعداد محاکم قضایی و تعداد پرسنل محاکم قضایی از زمان رسیدگی به پرونده‌ها (به عبارت دیگر، افزایش کارآمدی و وجود رابطه منفی) بکاهد، همچنین انتظار می‌رود یکپارچگی بیشتر در فنون مدیریت پرونده، زمان رسیدگی به پرونده‌ها را کاهش دهد، زیرا از هزینه‌های اداری محاکم قضایی کاسته شده است (رابطه منفی)<sup>۱</sup>، فناوری‌های برتر (از قبیل دسترسی بیشتر به رایانه‌ها)، به دلیل توانایی بیشتر این فناوری‌ها در مدیریت حجم کارها، ثبت نظرات، جستجوی آنلاین پرونده‌های گزارش شده و مواردی از این دست، باید باعث بهبود کارآمدی محاکم شوند (رابطه منفی)<sup>۲</sup>. اینکه قضات زمان خود را صرف چه اموری می‌کنند نیز بر کارآمدی تأثیر می‌گذارد. با این توضیح که اگر قضات وظیفه برگزاری جلسات برای ایجاد مصالحه میان طرفین را بر عهده داشته باشند (و بنابراین، زمان بیشتری را به این امور اختصاص دهند) و اگر این جلسات باعث شود تا طرفین دعوا اختلافاتشان را در اسرع وقت حل و فصل کنند، افزایش زمان در قوه قضائیه باید باعث افزایش کارآمدی قضایی شود.<sup>۳</sup> به همین ترتیب، اگر قضات از این اختیار برخوردارند که به جای پرداختن به امور اداری مدیریت جریان پرونده‌ها، زمان بیشتری را به حل اساسی اختلافات اختصاص دهند، باید افزایش کارآمدی محاکم قضایی محقق شود (به عبارت دیگر، میان افزایش استفاده از زمان قضات و مدت

۱. وجود رابطه منفی میان دو متغیر، عموماً به مفهوم آن است که تغییرات و حرکت آن دو متغیر در جهت عکس یکدیگر است. به بیانی دیگر، یعنی «افزایش» یا بهبود یک متغیر با «کاهش» در متغیر دیگر همراه باشد. در این قسمت نیز «یکپارچگی و هماهنگی بیشتر» در فنون مدیریت، سبب «کاهش» زمان رسیدگی به پرونده‌ها شده که بیانگر ارتباطی منفی بین این دو متغیر یا حرکت آن دو در جهت عکس یکدیگر است (م).

۲. با توجه به توضیحات پاورقی پیشین، در اینجا وجود فناوری‌های برتر و به عبارتی، «بهبود» در وضعیت فناوری، سبب «بهبود» کارآمدی محاکم شده است. باید توجه داشت «بهبود» کارایی محاکم و «کاهش» زمان رسیدگی به پرونده‌ها در حقیقت به یک مفهوم است. لذا در تشابه با توضیحات پیشین، در اینجا «بهبود» وضعیت فناوری سبب «کاهش» زمان رسیدگی به پرونده‌ها شده که بیانگر ارتباطی منفی بین دو متغیر نامبرده است (م).

۳. روشن است که برخی از این متغیرها که تحت عنوان عوامل مربوط به عرضه مشخص شدند با یکدیگر همبستگی دارند. برای نمونه، به فرض ثابت بودن تمام شرایط، دسترسی بیشتر به فناوری‌های رایانه‌ای، زمان عوامل قوه قضائیه را برای برگزاری جلسات برای توافق رسیدن طرفین و برای حل اساسی اختلافات (دور شدن از اهداف اداری) آزاد می‌کند. منابع واقعی بیشتر نیز ممکن است منجر به دسترسی بیشتر به رایانه‌ها شود.

زمان رسیدگی به پرونده‌ها رابطه منفی وجود دارد). از میان عوامل مربوط به عرضه که در بالا بدان‌ها اشاره شد، تنها موردی که افزایش در آن باید منجر به کاهش کارآمدی قضایی شود، مورد «پیچیدگی پرونده‌ها» است. با فرض ثابت بودن سایر عوامل، هر چه پرونده‌هایی که در محاکم قضایی طرح شده‌اند پیچیده‌تر باشند، زمان رسیدگی به آنها باید افزایش یابد. این امر بدان دلیل است که در این پرونده‌ها دفاعیات طولانی‌تر خواهند بود و به توجه بیشتری از سوی محاکم نیاز دارند، علاوه بر این، حقایق امر در اینگونه اختلافات، پرتعداد و پیچیده است و برای ارائه و ارزیابی، زمان بیشتری را طلب می‌کند، همچنین به نظر می‌رسد در این شرایط، مباحث حقوقی پیچیده‌تر بوده و نیازمند توضیحات بیشتر و تحقیقاتی گسترده‌تر از سوی طرفین دعوا باشند.

حال، با توجه به طرف دیگر بازار (یعنی طرف تقاضا، م.) برای خدمات قضایی، به متغیرهای مرتبط با تقاضا می‌پردازیم که عبارتند از:

۱. هزینه‌های مستقیم دسترسی به محاکم (مانند هزینه دادگاه، وکیل و هزینه‌های رفت و آمد)،
۲. هزینه‌های غیرمستقیم (مانند درآمدهایی که طرفین از دست می‌دهند)،
۳. تعداد دادخواست‌های ثبت شده به ازای هر دادگاه،
۴. اندازه مؤسسه خواهان (تعداد نیروی کار)،
۵. تقاضای اولیه به عنوان درصد دارایی‌های خواهان،
۶. ارزیابی اینکه شرکت‌ها، برای رسیدن به توافق خارج از دادگاه، تا چه حد حاضرند از خواسته‌شان صرف نظر کنند،
۷. اندازه مؤسسات حقوقی<sup>۱</sup> درگیر در اختلاف،
۸. تمایل به طرح دعوا (تعداد دعاوی قبلی در نوع خاصی از پرونده‌ها) و نسبت میزان ثبت دادخواست نسبت به کل جمعیت،
۹. تجربه وکلای درگیر در این اختلافات.

انتظار ما از نوع رابطه همبستگی میان این عوامل و کارآمدی قضایی چه باید باشد؟ اولین نکته در مورد این عوامل، پیش از بررسی تأثیر آنها بر کارآمدی قضایی، آن است که عوامل مربوط به تقاضا، در مقایسه با عوامل مربوط به عرضه، کمی پیچیده‌تر هستند. زمانی که دو عامل اول (هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم) افزایش یابد، تقاضا برای خدمات قضایی باید کم شود. اولین اصول تأثیر روشن این عامل بر کارآمدی قضایی را مشخص نمی‌کنند. از سوی دیگر، بالاتر بودن هزینه‌های استفاده از دادگاه برای حل اختلاف می‌تواند باعث شود تا دعاوی بالقوه با اختلافات



نسبتاً ناچیز در صدد یافتن جای دیگری برای حل و فصل اختلافات خود برآیند. در صورتی که پرونده‌های با کیفیت‌تر و بار مالی بیشتر توسط محاکم حل و فصل شوند، کارآمدی قضایی ممکن است افزایش یابد. از طرف دیگر، اگر بالاتر بودن هزینه‌های استفاده از محاکم باعث شود تا فقط دعاوی پیچیده و پرمخاطره به محاکم مراجعه کنند، فقط پیچیده‌ترین پرونده‌ها مجال ورود به دادگاه را می‌یابند. در این صورت، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، پرونده‌های پیچیده باعث کاهش کارآمدی قضایی (به عبارت دیگر، افزایش زمان رسیدگی به پرونده‌ها) می‌شوند. از آنجا که نمی‌دانیم کدام یک از این تأثیرات بر دیگری غلبه خواهد کرد، نمی‌توانیم پیش‌بینی روشنی از تأثیرات این دست عوامل هزینه‌ای بر کارآمدی قضایی داشته باشیم.

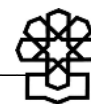
رابطه پیش‌بینی شده میان تعداد پرونده‌های ثبت شده به‌ازای هر دادگاه و زمان رسیدگی به پرونده‌ها، در مقایسه با سایر روابط میان متغیرهای مربوط به تقاضا، رابطه‌ای نسبتاً مستقیم است. به فرض ثابت بودن سایر شرایط، زمانی که پرونده‌های ثبت شده افزایش می‌یابد، محاکم باید شلوغ‌تر و متراکم‌تر شوند و بنابراین، کارآمدی قضایی کاهش یابد (به عبارت دیگر، باید میان تعداد پرونده‌های ثبت شده به‌ازای هر دادگاه و زمان رسیدگی به پرونده‌ها رابطه مثبتی وجود داشته باشد)، (اکنون، آثار یک عامل به شدت مرتبط دیگر، یعنی «تمایل به طرح دعوا در محاکم»، را مورد کنکاش قرار می‌دهیم).

هرگاه میزان منابع مالی و سرمایه اختصاص داده شده به دعوی - که به‌عنوان درصدی از دارایی‌های بنگاه‌ها محاسبه می‌شود - بالا باشد، باید رابطه‌ای مستقیم بین این منابع و زمان رسیدگی به پرونده‌ها برقرار باشد. اهمیت منابع درگیر در یک دعوا - برحسب نسبتی از دارایی‌های طرفین دعوی - معیاری مناسب برای سنجش میزان اهمیت موضوع مورد مناقشه بین طرفین است و ممکن است انتظار رود که هرچه مورد دعوی مهم‌تر باشد، درگیری و پیچیدگی ناشی از آن، در قالب زمان و سایر منابع اختصاص‌یافته، بیشتر خواهد بود. در مقابل، هرچه تمایل طرفین دعوی برای کاهش دادن منابع مورد نظر در جهت حل اختلاف، بیشتر باشد، احتمال می‌رود که آن دعوی در مدت زمانی کوتاه‌تر فیصله یابد. بر این اساس، انتظار می‌رود رابطه همبستگی منفی بین این تمایل و زمان رسیدگی به پرونده برقرار باشد.

دو مورد از عواملی که در انتهای طبقه‌بندی عوامل طرف تقاضا ذکر شد، مرتبط با اختلافات است. نخست، به ماهیت کار وکلا، که با معیارهای اندازه مؤسسه حقوقی و تجربه وکالت اندازه‌گیری می‌شود توجه کنید. هرچه اندازه مؤسسات حقوقی‌ای که به دعوا مورد نظر می‌پردازند و درگیر آن می‌شوند بزرگ‌تر باشد، احتمال می‌رود دعاوی پیچیده‌تر و بنابراین حل آن طولانی‌تر شود. دلیل این امر آن است که با فرض برابر بودن کلیه شرایط، مؤسسات حقوقی بزرگ‌تر قادرند منابع بیشتری را

به آن دعوا ارتباط دهند و در نتیجه، موکلانی که از دارایی و سرمایه بیشتری برخوردارند و یا مشکل پرونده آنها پیچیده‌تر است بیشتر احتمال می‌رود که برای حل و فصل دعاوی، مؤسسات حقوقی بزرگ‌تر را به استخدام خود درآورند. همه اینها بدان مفهوم است که هرچه مؤسسات درگیر شده بزرگ‌تر باشند، زمان رسیدگی به موضوع مورد مناقشه بیشتر خواهد شد (یعنی رابطه همبستگی مثبت و مستقیم بین اندازه مؤسسه حقوقی و مدت زمان رسیدگی به پرونده برقرار است). با توجه به تجربه وکلای درگیر در این پرونده‌ها، نمی‌توان مطمئن بود که این عامل چه تأثیری بر کارآمدی قضایی خواهد داشت. وکلای باتجربه آگاهی دارند که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از شیوه‌های اطلاع دادرسی و ایجاد تأخیر در روند حل و فصل پرونده، به نفع موکلانشان عمل کنند. تا زمانی که به نفع مشتریانانشان باشد، بهره می‌گیرند. از سوی دیگر، ممکن است یک وکیل جوان و کم‌تجربه برای آنکه یک اختلاف طولانی شود ترفندی به کار نیندد. یک وکیل باتجربه در مقایسه با یک وکیل جوان می‌تواند مزایای واقعی و دیگر ابعاد یک اختلاف را بهتر تشخیص دهد و بهتر می‌تواند در اسرع وقت یک راه حل برای اختلاف ارائه کند. در نتیجه چنین تمایلات مغایری نمی‌توان به قطع و یقین بیان داشت که چه نوع رابطه‌ای میان تجربه وکلای درگیر در پرونده‌ها و زمان رسیدگی به پرونده‌ها وجود دارد. علاوه بر این، باید ادعان کرد که روابط پیچیده میان تجربه وکلا و برخی از سایر عوامل مربوط به تقاضا، که به آنها اشاره شد، وجود دارد.

عامل آخری که تأثیر آن بر کارآمدی قضایی باید مورد بررسی قرار گیرد، تمایل به طرح دعوا است (که برحسب تعداد دعاوی قبلی مطرح شده در حوزه یک نوع پرونده و تعداد دادخواست‌های ثبت شده به ازای هر نفر (سرانه) اندازه‌گیری می‌شود). به فرض ثابت بودن سایر شرایط، وقتی تمایل به طرح دعوا در محاکم قضایی افزایش می‌یابد، احتمال می‌رود که زمان رسیدگی به پرونده‌ها، مانند میزان ثبت هر دادگاه، افزایش یابد، یعنی باید رابطه‌ای مثبت وجود داشته باشد. هر چه محاکم شلوغ‌تر باشند، کارآمدی قضایی کاهش می‌یابد (البته، در نهایت، بسته به اینکه چه راهکار دیگری برای ازدحام در محاکم وجود داشته باشد، ممکن است منابع قضایی افزایش یابد و زمان رسیدگی به پرونده‌ها کم شود). برخی عوامل دیگر نیز وجود دارند که تأثیر آنها بر کارآمدی محاکم محتمل است، اما از آنجا که اطلاعات ما از آنها ناقص است - برای نمونه، درخصوص قابل دسترس بودن و هزینه استفاده از سازوکارهای جایگزین حل اختلاف - یا افزایش در درآمد خالص ملی - تأثیر آنها [برای ما] روشن نیست.



### ۳-۲. تحلیل کمی عوامل مرتبط با مدت دادرسی

ما نمونه‌ای از ۱۰۰ پرونده تجاری در آرژانتین و ۹۰ پرونده در ونزوئلا را طی دوره ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ بررسی خواهیم کرد. انتخاب یک نمونه تصادفی از بین کل پرونده‌های مربوط به دعاوی تجاری در محاکم (یعنی انتخاب نمونه‌ای از کل پرونده‌ها که در آن، احتمال انتخاب هر یک از پرونده‌ها یکسان است)، سبب می‌شود انواعی از پرونده‌ها که بیشترین تعداد ثبت دادخواست را داشته‌اند بیش از حد جلوه کنند.<sup>۱</sup> تلاش می‌کنیم با انتخاب یک نمونه تصادفی طبقه‌بندی شده، که در برگیرنده شرکت‌هایی است که شاکی پرونده‌ها محسوب می‌شوند، در این دام نیفتیم و با این شیوه، تعداد تقریباً برابری از پرونده‌ها برای هر یک از انواع دعاوی و انواع شرکت‌ها با اندازه‌های مختلف انتخاب کنیم.<sup>۲</sup>

بدین منظور ۱۰ مورد دادگاه رسیدگی به پرونده‌های تجاری در آرژانتین (منطقه فدرال) و ۹ مورد دادگاه رسیدگی به پرونده‌های تجاری در ونزوئلا (منطقه کاراکاس) را مورد بررسی قرار دادیم. پس از آن، این دادگاه‌ها براساس آن که حجم پرونده‌های معوقه‌شان زیاد، متوسط یا کم است طبقه‌بندی شدند. برای هر دادگاه، سه نوع پرونده انتخاب شد. برای هر یک از انواع این پرونده‌ها، نمونه‌گیری‌ها یک بار دیگر برحسب اندازه شرکت شاکی دسته‌بندی شدند. کارمندان این دادگاه‌ها نیز تحت بررسی قرار گرفتند و از آنها خواسته شد تا تجربیاتشان در مورد اجرای برخی رویه‌های مشخص را بیان کنند و برآوردهای خود از زمان صرف شده برای کارهای اجرایی، فنون آنها در مدیریت پرونده‌ها، فناوری مورد استفاده‌شان در رسیدگی به پرونده‌ها، راه‌حل‌های جایگزین پیشنهاد شده برای کاهش کارهای معوقه و... را ابراز دارند. پرسش‌های ما درخصوص رویه‌هایی بود که با اهداف زیر توسط دادگاه به اجرا درآمده‌اند: کنترل سرعت کشف حقیقت یا حتی اقدامات در نظر گرفته شده برای ساده‌سازی یا ایجاد آزادی عمل در اجرای قوانین مربوط به دعاوی و دفاعیه، مدیریت منابع محاکم و ظرفیت محاکم برای ارتقای سطح حل‌وفصل اختلافات. اطلاعات به دست آمده از این بررسی انعکاس دیدگاه پرسنل مدیریت محاکم، وکلا و طرفین دعواست. ما از طرفین دعوا خواستیم تا اطلاعاتشان در مورد تعداد وکلا در شرکتشان، حجم کارها به‌ازای هر وکیل، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم طرح دعاوی و تمایل یا توانایی‌شان برای رسیدن به توافق را در اختیار ما قرار دهند. پس از این، ما زمان صرف شده برای هر مرحله از دادرسی در همه انواع

۱. احتمال می‌رود استدلال نویسنده بر این اساس بوده که به دلیل شانس (احتمال) برابر کلیه پرونده‌ها در این نمونه تصادفی، طبیعی است پرونده‌هایی که موضوع دادخواست آنها مشترک بوده و تعداد آنها بیشتر باشد، بیش از سایر پرونده‌ها دیده شوند (م).

۲. به پیروی از استون (Stone)، اندازه شرکت‌های فعال در بخش‌های نساجی و کشاورزی را برحسب تعداد نیروهای کارشان دسته‌بندی می‌کنیم. شرکت‌های کوچک با نیروی کار ۱ تا ۲۵ نفر، شرکت‌های متوسط با نیروی کار ۲۵ تا ۲۵۰ نفر و شرکت‌های بزرگ با نیروی کار بیش از ۲۵۰ نفر مشخص می‌شوند. ر.ک.:

Andrew Stone, "Measuring transaction costs in the textile industry\* T in Argentina, Brazil, and Chile," The World Bank, 1993, unpublished manuscript.

پرونده‌ها در محاکم قضایی منتخب در هرکدام از این دو کشور را مورد محاسبه و اندازه‌گیری قرار دادیم. در نهایت، از تحلیل رابطه غیرپارامتری برای مشخص کردن عواملی که بیشترین ارتباط را با زمان رسیدگی به پرونده‌ها دارند استفاده کردیم.<sup>۱</sup>

با استفاده از تحلیل رابطه غیرپارامتری، شدت ارتباط میان متغیرهای سمت عرضه و سمت تقاضا با متوسط زمان دادرسی در هر یک از مراحل دادخواهی مورد سنجش قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup> ماتریس‌های همبستگی (جداول ۳ و ۴) شدت ارتباط را نشان می‌دهند. علامت ضمیمه شده به ارقام مربوط به شدت رابطه، وابستگی مورد انتظار را نشان می‌دهد. برای نمونه، در آرژانتین، رابطه‌ای شفاف و معنادار میان میزان ثبت به‌ازای هر دادگاه و کل زمانی که دادگاه برای رسیدگی به دعوی تجاری صرف می‌کند وجود دارد (۷۸ درصد).<sup>۳</sup> همچنین به لحاظ نوع ارتباط، وضعیتی مشابه میان میزان ثبت به‌ازای هر دادگاه و کل زمانی که دادگاه صرف آماده کردن پرونده (۸۳ درصد)<sup>۴</sup> و بحث در مورد پرونده (۶۷ درصد)<sup>۵</sup> می‌کند وجود دارد. نشان‌های مثبت ضریب همبستگی که ضمیمه فرآیند کشف (۵۷ درصد)، طرح دعوا در دادگاه (۴۵ درصد) و صدور حکم (۷۵ درصد) هستند نیز افزایش میزان ثبت به‌ازای هر دادگاه و همین‌طور افزایش کل زمانی که دادگاه برای رسیدگی به هر مرحله از دادخواهی صرف می‌کند را نشان می‌دهند.

همچنین می‌توان گفت هرگاه محاکم منابع بیشتری، به‌ویژه پرسنل دادگاه، را برای همه مراحل دادرسی اختصاص دهند، زمان اختصاص داده شده برای هر یک از مراحل در طول همان سال کاهش می‌یابد. با این‌حال، روابطی با همین قوت میان سرمایه هزینه شده و زمان دادرسی وجود

۱. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که پاسخ به این پرسش که چطور می‌توان زمان رسیدگی به پرونده‌ها را کاهش داد، بسیار پیچیده و دشوار است. با این حال، مطالعه قبلی در این مورد، به‌جای آنکه مبتنی بر اطلاعات پرونده‌ها باشد، براساس داده‌های جمع‌آوری شده صورت گرفته بود. تحقیق حاضر با جمع‌آوری اطلاعات جزئی‌تر و گسترده‌تر در مورد این‌گونه دعوی قضایی، ساختار پرونده‌ها و پردازش اطلاعات درون محاکم قضایی و با تحلیل اطلاعات تک‌تک پرونده‌ها از طریق بررسی محاکم قضایی و دعوی که آنها مورد رسیدگی قرار می‌دهند بر این محدودیت مطالعات قبلی فائق آمده است. برای دیدن نمونه‌ای از این مطالعات پیشین، ر. ک.:

Julio Gueto Rua, "Los abogados y la congestión en los tribunales," La L U 23-37 (1992); and Corte Suprema de Justicia, Cantidad de Expedientes Tramitados en los Fueros de la Capital Federal y Jurisdicciones Federales del Interior (1991).

۲. ما از «شاخص غیرپارامتری رتبه - محور اسپیرمن» (rank-based nonparametric Spearman index) استفاده کردیم. ضریب همبستگی، همیشه میان -۱ و +۱ است. ضریب همبستگی +۱ به این معناست که همه داده‌ها، کاملاً به شکل مثبتی (مستقیم) با هم همبستگی دارند. ضریب همبستگی -۱ به این معناست که همه داده‌ها، کاملاً به شکلی منفی (معکوس) با هم همبستگی دارند. چنانچه ضریب همبستگی، نزدیک به صفر باشد بدین معناست که هیچ رابطه‌ای میان متغیرها وجود ندارد. در موردی که ما آن را بررسی می‌کنیم، هر همبستگی با سطح اطمینان ۵ درصد می‌تواند معنادار یا غیرمعنادار باشد. در نمودارها، اگر همراه با عدد همبستگی، نشان (I) درج شده باشد، بدین معناست که به احتمال بیش از ۹۵ درصد میان جمعیت مورد بررسی همبستگی صفر وجود دارد.

۳. اعداد داخل پرانتز، نشان‌دهنده ضریب همبستگی بین دو متغیر مورد نظر است. در پاورقی قبل به تفصیل به توضیح این ضریب پرداخته شده است.

۴. ضریب همبستگی میان میزان ثبت به‌ازای هر دادگاه، و کل زمانی که دادگاه صرف آماده کردن پرونده می‌کند ۸۳ درصد است.

۵. ضریب همبستگی میان میزان ثبت به‌ازای هر دادگاه، و بحث در مورد پرونده ۶۷ درصد است.



ندارد. پرسنل اضافی، وجود همبستگی معکوس قوی‌ای (۷۸- درصد) را در مرحله صدور حکم نشان می‌دهد. آنچه حائز اهمیت است آن است که شیوه مدیریت فعال و یکسان پرونده‌ها با کاهش زمان دادرسی، به‌ویژه در رابطه با مرحله طرح دعوا در دادگاه و مراحل آماده‌سازی برای طرح در دادگاه و مرحله کشف حقیقت، رابطه دارد. به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد که زمان دادرسی تنها به افزایش منابع در دسترس مربوط نیست، بلکه با استفاده متفاوت از منابعی که پیش از این در دسترس بود نیز ارتباط دارد.

تمام ارتباطها و همبستگی‌های معناداری که در ماتریس نشان داده شده، علائم مورد انتظار را نشان می‌دهند. برای نمونه، در ونزوئلا به‌طور متوسط، همبستگی موجود میان میزان ثبت به‌ازای جمعیت و کل زمان رسیدگی به پرونده‌ها، معنادار و قوی بوده و ضریب همبستگی مربوطه ۹۱ درصد (در مورد آرژانتین ۵۶ درصد) است. با این وجود، باید دریابیم که آیا همبستگی میان میزان ثبت به‌ازای جمعیت و مرحله آماده‌سازی برای طرح دعوی در دادگاه نیز معنادار است - به‌عبارت دیگر، آیا ارتباطی میان میزان بیشتر ثبت به‌ازای جمعیت با زمان بیشتر اختصاص داده شده کارمندان به آماده‌سازی یک پرونده برای طرح در دادگاه، پیش از آنکه پرونده مربوطه توسط قاضی مورد بررسی قرار گیرد، وجود دارد یا خیر. در محاکم این دو کشور، هرگاه محاکم شلوغ‌تر می‌شوند، زمان بیشتری به آماده کردن پرونده‌های وصول شده اختصاص داده می‌شود. در این مورد، همبستگی در کشور ونزوئلا ۹۶ درصد و در کشور آرژانتین ۷۶ درصد است. باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود پرونده‌هایی با خواسته‌های سطح بالا باعث افزایش زمان رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود (همبستگی ۴۹ درصد برای آرژانتین و ۸۳ درصد برای ونزوئلا).

به‌نظر می‌رسد در هر دو کشور همبستگی ضعیف یا معناداری میان میزان ثبت به‌ازای جمعیت و مباحثات و گفتگو بین طرفین دعوا پیش از آغاز دادرسی وجود دارد (این داوری نتیجه همبستگی ۱۲ درصد در ونزوئلا و همبستگی ۲۳ درصد در آرژانتین است). به عبارت دیگر، شلوغی محاکم در این مورد تأثیری بر زمانی که طرفین دعوا پیش از مرحله دادرسی به بحث و گفتگو اختصاص می‌دهند نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

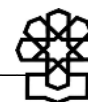
گام بعدی توجه به ارتباط میان افزایش هزینه‌های اختصاص داده شده به پرسنل و زمان دادرسی است. در اینجا، همبستگی ضعیف‌تر از مورد قبل است، اما این همبستگی معنادار است. همبستگی منفی برابر است با ۴۵- درصد در آرژانتین و ۲۸- درصد در ونزوئلا که مؤید رابطه معکوس میان هزینه‌های

۱. پیش‌تر ما با استفاده از توزیع  $t$  برای محاسبه احتمال همبستگی صفر، این ادعا که هیچ همبستگی میان میزان ثبت پرونده‌ها به‌ازای جمعیت و مباحثات پیش از دادرسی وجود ندارد را مورد بررسی قرار دادیم. در نتیجه این بررسی، دریافتیم که به احتمال بسیار زیاد هیچ همبستگی‌ای میان آنها وجود ندارد. در هر دو این کشورها، وجود محاکم پر رفت‌وآمد ارتباطی با بیشتر شدن احتمال وقوع بحث و گفتگوهای بیشتر پیش از محاکمه ندارد.

واقعی صرف شده برای پرسنل و کل زمان رسیدگی به پرونده‌ها در طول همان سال است. همچنین دریافتیم که میان بزرگتر بودن شرکت شاکی و زمان رسیدگی به پرونده همبستگی منفی وجود دارد. این همبستگی در آرژانتین ۵۵- درصد و در ونزوئلا ۴۹- درصد است.

جدول ۳. محاکم قضایی تجاری: آرژانتین (۱۰۰ پرونده تجاری)

عنوان	مجموع زمان	آماده‌سازی برای طرح در دادگاه	مباحثات و گفتگو بین طرفین دعوا پیش از آغاز دادرسی	طرح دعوا در دادگاه	کشف حقیقت در دادگاه	صدور حکم
طرف عرضه						
زمان رویه‌های اجرایی	۰/۷۵	۰/۸۸	(I) ۰/۰۰	(I) ۰/۰۹	۰/۶۱	۰/۴۵
مجموع منابع صرف شده	-۰/۳۶	-۰/۲۴	(I) -۰/۱۵	(I) -۰/۰۲	-۰/۵۶	(I) -۰/۱۰
سرمایه هزینه شده	(I) -۰/۱۱	-۰/۲۶	-۰/۰۰	(I) -۰/۰۱	(I) -۰/۱۲	-۰/۳۳
هزینه پرسنل دادگاه	-۰/۴۵	-۰/۵۷	-۰/۳۴	(I) -۰/۰۳	-۰/۵۶	-۰/۷۸
مدیریت پرونده	-۰/۸۹	-۰/۶۸	-۰/۲۹	-۰/۷۹	-۰/۶۸	-۰/۴۵
زمان اختصاص‌یافته به سازوکارهای جایگزین حل اختلاف*	-۰/۵۸	-۰/۴۵	-۰/۵۰	(I) -۰/۰۵	(I) -۰/۰۷	(I) -۰/۰۵
دخالت فعال قاضی	-۰/۳۸	-۰/۹۰	(I) -۰/۰۷	-۰/۳۹	-۰/۳۸	-۰/۶۷
نظام رایانه‌ای	-۰/۷۸	-۰/۹۵	-۰/۵۶	-۰/۳۴	-۰/۶۷	-۰/۸۱
پیچیدگی پرونده	۰/۷۶	۰/۴۴	۰/۵۱	۰/۵۹	۰/۸۹	۰/۹۲
طرف تقاضا						
هزینه‌های مستقیم	-۰/۳۴	(I) ۰/۱۶	-۰/۳۵	۰/۰۲	-۰/۶۷	(I) ۰/۱۸
ثبت به‌ازای هر دادگاه	۰/۷۸	۰/۸۳	۰/۶۷	۰/۴۵	۰/۵۷	۰/۷۵
هزینه‌های غیرمستقیم	(I) ۰/۲۸	(I) ۰/۲۹	۰/۳۸	۰/۴۵	(I) ۰/۲۹	(I) ۰/۱۸
خواسته/دارایی‌ها	۰/۴۹	۰/۳۶	۰/۷۹	۰/۲۷	۰/۳۵	۰/۳۵
اندازه شرکت	-۰/۵۵	(I) ۰/۰۷	-۰/۳۹	(I) ۰/۱۷	-۰/۷۸	(I) ۰/۰۲
تمایل بیشتر طرفین به کاهش سطح مخاطرات و حل اختلافات	-۰/۳۹	-۰/۵۶	(I) -۰/۱۳	(I) -۰/۱۶	-۰/۳۷	-۰/۲۹



عنوان	مجموع زمان	آماده‌سازی برای طرح در دادگاه	مباحثات و گفتگو بین طرفین دعوا پیش از آغاز دادرسی	طرح دعوا در دادگاه	کشف حقیقت در دادگاه	صدر حکم
اندازه مؤسسات حقوقی	۰/۰۸	(I) ۰/۰۶	(I) -۰/۰۱	(I) ۰/۰۷	(I) -۰/۰۶	(I) -۰/۰۳
تعداد شکایت‌ها	(I) ۰/۰۴	(I) ۰/۰۲	(I) ۰/۰۷	(I) ۰/۰۸	(I) -۰/۰۵	(I) -۰/۰۴
پرونده‌ها به‌ازای هر وکیل	(I) -۰/۱۲	(I) -۰/۱۶	(I) -۰/۱۸	-۰/۲۴	(I) -۰/۰۴	(I) ۰/۰۳
تجربه وکیل	۰/۳۹	(I) ۰/۱۳	۰/۵۶	۰/۵۷	(I) ۰/۲۵	۰/۳۹
ثبت/جمعیت	۰/۵۶	۰/۷۶	(I) ۰/۲۳	(I) ۰/۱۱	۰/۸۹	۰/۷۲

\* در اینجا و برطبق هدف جداول ۳ و ۴، منظور از سازوکارهای جایگزین حل اختلاف اشاره به سه مورد داور، مصالحه و میانجیگری است.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، به این نتیجه رسیدیم که در تمام مراحل دادرسی در هر دو کشور، پیچیدگی پرونده و استفاده از رایانه، رابطه پیش‌بینی شده‌ای با زمان رسیدگی به پرونده دارد. از قضاوت و کارمندان دادگاه خواسته شد تا پیچیدگی دعاوی تجاری را با ملاک میزان نیاز به تعامل با گروه‌های خصوصی، میزان نیاز به دانش فنی و تعداد اقدامات در مرحله کشف رتبه‌بندی کنند. از آنها خواسته شد تا پیچیدگی را با مقیاسی از ۱ تا ۱۰ که در آن، منظور از «۱»، «سادگی» و «۱۰»، «به‌شدت پیچیده» است رتبه‌بندی کنند. سپس، همبستگی میان این رتبه‌بندی‌ها و زمانی که صرف هر مرحله از دادرسی شد را مورد محاسبه قرار دادیم. اگرچه همبستگی معنادار و مثبتی را در تمام مراحل دادرسی (آنچنان که انتظار می‌رفت) مشاهده کردیم، اما این نتیجه به دست آمد که در مرحله کشف حقیقت و مرحله صدور حکم، بیشترین همبستگی‌های مثبت وجود دارد. در این دو مرحله، پیچیدگی پرونده‌ها موجب می‌شد پرسنل دادگاه زمان بیشتری را به آن اختصاص دهند.

در نهایت، در صدد یافتن همبستگی میان فناوری موجود در دادگاه و زمان دادرسی در فازهای مختلف دادخواهی بودیم (فناوری رایانه‌ای، اغلب روشی مفید برای گردآوری پایگاه داده‌های مربوط به پرونده‌ها یا جستجوی پرونده‌ها در هر لحظه، پیاده کردن نظام پیگیری پرونده و پردازنده کلمات محسوب می‌شود). در نمونه مورد نظر ما ۴۵ درصد محاکم قضایی انتخاب شده برای این مطالعه، از فناوری رایانه‌ای تنها برای پردازش کلمات استفاده می‌کردند. با این حال، همبستگی منفی روشن و معناداری میان استفاده از فناوری رایانه‌ای در عرضه خدمات محاکم با زمان رسیدگی به پرونده‌ها وجود دارد. علاوه بر این، این نتیجه به دست آمد که بیشترین همبستگی

در مرحله صدور حکم وجود دارد، یعنی مرحله‌ای که استفاده از پردازنده کلمات باعث تسریع روند درج نظرات می‌شود. در برخی محاکم، که تعداد رایانه‌ها ۳ برابر شد، بازدهی مرحله صدور حکم افزایش یافت.

جدول ۴. محاکم قضایی تجاری: ونزوئلا (۹۰ پرونده تجاری)

عنوان	مجموع زمان	آماده‌سازی برای طرح در دادگاه	مباحثات و گفتگو بین طرفین دعوا پیش از آغاز دادگاه	طرح دعوا در دادگاه	کشف حقیقت در دادگاه	صدور حکم
<b>طرف عرضه</b>						
زمان رویه‌های اجرایی	۰/۴۱	۰/۸۱	۰/۰۶ (I)	۰/۰۲ (I)	۰/۵۹	۰/۷۸
مجموع منابع صرف شده	-۰/۴۵	-۰/۱۹ (I)	-۰/۷۸	-۰/۳۲	-۰/۴۲	-۰/۱۸ (I)
سرمایه هزینه شده	-۰/۰۱ (I)	-۰/۰۶ (I)	-۰/۰۰ (I)	-۰/۰۱ (I)	-۰/۰۲ (I)	-۰/۱۵ (I)
هزینه پرسنل دادگاه	-۰/۲۸	-۰/۲۷	-۰/۲۸	-۰/۳۳ (I)	-۰/۲۶	-۰/۵۵
مدیریت پرونده	-۰/۲۹	-۰/۱۸ (I)	-۰/۵۹	-۰/۰۶ (I)	-۰/۰۱ (I)	-۰/۲۹
زمان اختصاص یافته به سازوکارهای جایگزین حل اختلاف	-۰/۰۰ (I)	-۰/۰۰ (I)	-۰/۵۰ (I)	-۰/۰۵ (I)	-۰/۰۰ (I)	-۰/۶۹
دخالت فعال قاضی	-۰/۱۱ (I)	-۰/۰۳ (I)	-۰/۲۷	-۰/۰۱ (I)	-۰/۱۸ (I)	-۰/۷۶
نظام رایانه‌ای	-۴۸	-۱۵ (I)	-۱۷ (I)	-۲۱ (I)	-۶۷	-۹۲
پیچیدگی پرونده	۰/۸۶	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۱۹ (I)	۰/۹۶	۰/۶۹
<b>طرف تقاضا</b>						
هزینه‌های مستقیم	-۰/۲۹	۰/۱۸ (I)	-۰/۷۷	-۰/۵۲	-۰/۸۸	-۰/۰۱ (I)
ثبت به‌ازای هر دادگاه	-۰/۲۹	۰/۱۸ (I)	-۰/۷۷	-۰/۵۲	-۰/۸۸	-۰/۰۱ (I)
هزینه‌های غیرمستقیم	(I) -۰/۱۸	۰/۱۳ (I)	-۰/۷۳	-۰/۵۹	-۰/۷۱	-۰/۰۲ (I)
خواسته/دارایی‌های شرکت	۰/۸۳	۰/۰۴ (I)	۰/۹۹	۰/۸۲	۰/۵۸	۰/۴۹
اندازه شرکت	-۰/۴۹	۰/۰۱ (I)	-۰/۶۲	-۰/۶۶	۰/۰۱ (I)	۰/۰۹ (I)
تمایل بیشتر طرفین به کاهش سطح مخاطرات و حل اختلافات	-۰/۶۹	۰/۰۰ (I*)	-۰/۹۲	-۰/۳۸	-۰/۷۲	-۰/۰۳ (I)
اندازه مؤسسات حقوقی	-۰/۸۸	۰/۰۶ (I)	-۰/۰۱ (I)	۰/۸۹	-۰/۰۲ (I)	۰/۰۳ (I)
تعداد شکایت‌ها	۰/۰۰ (I)	۰/۰۷ (I)	۰/۱۱ (I)	۰/۲۹	-۰/۰۱ (I)	-۰/۱۲ (I)
پرونده‌ها/وکیل	-۰/۴۲	-۰/۰۰ (I)	-۰/۷۸	-۰/۳۱	-۰/۰۰ (I)	۰/۰۵ (I)
تجربه وکیل	۰/۳۱	۰/۰۰ (I)	۰/۳۴	۰/۲۹	-۰/۱۵ (I)	۰/۰۹ (I)
ثبت/جمعیت	۰/۹۱	۰/۹۶	۰/۱۲ (I)	۰/۱۱ (I)	۰/۸۹	۰/۴۶



## نتیجه‌گیری

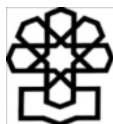
تحقیق حاضر اولین تحلیل کمی محاکم قضایی در منطقه آمریکای لاتین محسوب می‌شود. بخش اول این تحقیق به روشنی نشان داد که از سال ۱۹۹۰ به بعد، زمان رسیدگی به پرونده‌ها در کل منطقه به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. به نظر می‌رسد مرحله کشف حقیقت، بیش از سایر مراحل، موجب افزایش زمان رسیدگی به پرونده‌ها شود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در مرحله کشف، اقدامات عاجلی درخصوص رویه دادرسی صورت گیرد. در مرحله کشف، طرح دعاوی ناموجه رایج است.<sup>۱</sup>

لازم به تأکید است که در اغلب حوزه‌های قضایی، زمانی که نرخ بهره‌وری محاکم به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته، در همان زمان از کیفیت خدمات آنها کاسته شده است. به هر حال، این افزایش بهره‌وری به اندازه‌ای نبوده است که پاسخگوی تقاضای رو به افزایشی باشد که با معیار درصد تغییرات در میزان ثبت دادخواست اندازه‌گیری می‌شود. این امر نشان می‌دهد اگرچه محاکم پاسخگوی افزایش تقاضا برای خدمات بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند افزایش تعداد ثبت پرونده‌ها را جبران کنند و راهی برای آن بیابند. در نتیجه، پرونده‌های در حال انتظار برای رسیدگی به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است.

یک راه‌حل برای مشکل بالا این است که قوه قضائیه با پیش‌بینی میزان تقاضاها برای خدمات محاکم، رویکردی فعال‌تر و نه منفعلانه، را در پیش گیرد تا بدین وسیله مانع از افزایش ناخواسته ثبت دادخواست و افزایش زمان رسیدگی به پرونده‌ها شود. براساس تحلیل کمی ما در بخش دوم - که نشان داد میان زمان رسیدگی به پرونده‌ها و متغیرهای مربوط به عرضه و تقاضا، ارتباط وجود دارد - می‌توان از طریق ایجاد محاکم قضایی اضافی، بهبود در فنون مدیریت پرونده و یک رویکرد اجرایی هماهنگ، همراه با صرف زمان کمتر و تمرکز بیشتر، بهره‌وری زمان را بیشتر افزایش داد. نتیجه مهمی که می‌توان از تحلیل ما به‌دست آورد این است که افزایش در منابع قضایی، تأثیر معناداری در کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها که در بازه زمانی دوساله اندازه‌گیری می‌شود، ندارد. به احتمال بسیار، مسئله ناکارآمدی قضایی در کشورهای آمریکای لاتین را نمی‌توان به‌نحو مؤثری با پول حل کرد.

ذکر این نکته جالب است که دقیقاً همان‌طور که انتظار می‌رفت، تمام متغیرهای مربوط به عرضه و تقاضا، که مورد بررسی قرار گرفتند، بر زمان رسیدگی به دعاوی تجاری تأثیر می‌گذارند. این مهمترین نتیجه‌ای است که می‌توان از تحلیل غیرپارامتری بخش دوم کسب کرد. به‌طور خاص‌تر، رویه‌های اجرایی هماهنگ، بهبود در مدیریت پرونده، دسترسی وسیع‌تر به فناوری‌های رایانه‌ای برای استفاده از آنها در مدیریت پرونده و اندازه شرکت‌های شاکی عواملی هستند که قویاً و به‌طور مثبت با زمان رسیدگی به دعاوی تجاری در دو کشور آرژانتین و ونزوئلا ارتباط دارند.

۱. طرح دعاوی ناموجه، باعث اتلاف وقت و اطاله دادرسی می‌شوند (م).



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۷۰۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ارزیابی کمی کارآمدی نظام‌های قضایی در آمریکای لاتین

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)

مترجم: سعید عطار

ناظر علمی: سیدامیر سیاح

منتقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستاران تخصصی: احمد مرکزمالگیری، هدیه ستایش

واژه‌های کلیدی:

۱. قوه قضائیه

۲. آمریکای لاتین

۳. حاکمیت قانون

۴. دادگاه

۵. دادرسی

۶. کارآمدی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۳/۱۲